

تأثیر آموزش بر شناخت و توانائی دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز در به‌کارگیری کتابخانه

دکتر زاهد بیگدلی

دانشیار گروه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز bigdeli_zahed@yahoo.co.in

علی بیرانوند

کارشناس ارشد کتاب‌داری

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی میزان تأثیر آموزش کتاب‌داری بر شناخت و توانایی دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی شاغل به تحصیل در دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳ در به‌کارگیری منابع کتابخانه است.

آزمودنی‌های این پژوهش از میان دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های غیر کتاب‌داری دانشگاه و به روش تصادفی گزیده شدند. یک گروه از آزمودنی‌ها با کمک دفترچه‌ی راهنما و گروه دیگر در دوره‌ی آموزشی آموزش داده شدند. سپس هر دو گروه با گروه گواه مقایسه شدند تا میزان اثربخشی آموزش بر آن‌ها با یکدیگر سنجیده شود.

نتایج نشان‌دهنده‌ی مؤثر بودن آموزش‌ها بود و از میان دو روش آموزش، در ۱۲ مورد، روش آموزش در دوره‌ی آموزشی برتری معناداری به روش آموزش با دفترچه‌ی راهنما داشته است. در موارد دیگر، یا تفاوت آماری معنادار نبود یا تفاوتی دیده نشد. از میان ۳۴ نکته‌ی آموزش داده شده، تفاوت پس‌آزمون‌ها با پیش‌آزمون‌ها در روش دوره‌ی آموزشی در ۱۸ مفهوم و در روش دفترچه‌ی راهنما در ۱۵ مفهوم معنادار بود.

کلیدواژه‌ها: آموزش به‌کارگیری کتابخانه؛ کتابخانه‌های دانشگاهی؛ دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی؛ دانشگاه شهید چمران اهواز؛ سواد اطلاعاتی؛

پیش‌گفتار

آموزش به‌کارگیری کتابخانه می‌کوشد تا در بهره‌گیری از منابع و خدمات کتابخانه به کاربران آن یاری دهد. اندیشه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه اندیشه‌ی تازه نیست. در کتابخانه‌های دانشگاهی آمریکا، آموزش منظم مهارت‌های پایه به دانشجویان سال اول، حدود سال ۱۹۰۷ آغاز شد که در دهه‌ی ۱۹۲۰ مورد انتقاد قرار گرفت و آموزشی سطحی خوانده‌شد. اندک اندک، تا سال ۱۹۳۲، تحولی در آموزش کاربران از کتابخانه رخ داد که باعث شد محتوای برنامه‌ها از «آموزش به‌کارگیری مواد اطلاعاتی» به سوی «آموزش چه‌گونه‌گی دستیابی به مواد» دگرگون شود.

از دهه‌ی ۱۹۴۰ و پس از آن، گسترش روزافزون انتشارات علمی و فنی، فراهم آوردن خدمات برای دانش‌جویانی که شمار آن‌ها رو به افزایش بود، گسترش سریع مجموعه‌ها، دگرگونی‌هایی که در روش‌های ذخیره و بازیابی داده‌ها پدید آمد، و پشتی‌بانی دولت ایالات متحده از کتابخانه‌ها، نگاه‌ها را به آموزش به‌کارگیری کتابخانه کشاند. در این سال‌ها، چندین برنامه پیاده شد که در عمل هیچ کدام چندان پیروز نبود. ریشه‌ی اصلی این ناکامی، ناآگاهی کتابداران از جایگاه اجتماعی خود و آماده نبودن‌شان برای ایفای نقش و رسالتی بود که بر دوش آن‌ها گذاشته شده بود. برنامه‌ی سه‌مرحله‌ی آموزش کاربران که در سال ۱۹۴۹ از سوی بخش دانشگاهی و پژوهشی انجمن کتابداران انگلیس پیشنهاد شد، نقطه‌ی عطفی در آغاز برنامه‌ی آموزش کاربران از کتابخانه‌ها به شمار می‌آید. روند توجه به نقش آموزشی کتابداران و پیاده‌سازی برنامه‌های آموزش کاربران، در دهه‌ی ۷۰ سده‌ی بیست به اوج خود رسید، ولی بیش‌تر برنامه‌هایی که در خلال دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ارائه می‌شد بر مهارت‌های دسترسی به ابزار کتاب‌شناختی تأکید داشت (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۳۸۸).

امروزه، کتابخانه‌های دانشگاهی نگرانی درک‌شونده‌ی را برای دانش‌جویانی پدید می‌آورد که شاید پیش از این تنها کتابخانه‌های عمومی و کوچک مدرسه‌ی را در دسترس داشته‌اند. از این گذشته، افزایش مواد منتشرشده در سال‌های پیش، دشواری‌های فراوانی را در پیدا کردن مواد و مطالب مورد نظر برای دانش‌جویان پدید می‌آورد. از این رو، برنامه‌های آموزشی باید به کاربران کمک کند تا ابهاماتی که آن‌ها در کتابخانه با آن روبه‌رو می‌شوند از بین برود یا شدت آن کاسته شود.

/ینتنر^۱ (۱۳۷۱) بنیاد آموزش کتاب‌شناختی را بر این می‌داند که با پیوند کتاب‌دار و کاربر، شماری از کاربران کتابخانه آموزش ببینند؛ اما مهم این است که ماهیت سامانه‌مند

کار آموزش، دربردارنده‌ی گروهی از اصول جست‌وجو در کتابخانه و مجموعه و خدمات آن، و به‌کارگیری دستورها برای پیش‌برد دسته‌ئی از هدف‌های از پیش تعیین‌شده باشد. آموزش کاربران کتابخانه، تنها در برخورد کتابدار و کاربر پایان نمی‌یابد، بلکه ماهیت این آموزش، رسالتی است که در برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه دنبال می‌شود. با آموزش کاربران کتابخانه می‌توان امیدوار بود که گروه آگاه‌تری از کاربران به جامعه وارد شوند و دیدی مثبت به محیط اطلاعاتی در ذهن کاربران پدید آید.

رابینسون^۱ در این باره چنین می‌گوید: «من خودم را سرزنش خواهم کرد چنانچه دانش‌جویی به پایان دوره‌ی تحصیلی‌اش برسد بدون این که بداند چه‌گونه از کتابخانه استفاده کند.» (برگرفته از بیگدلی، ۱۳۷۷).

در برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه، باید نخست هدف‌های بنیادی و هدف‌های ویژه‌ی دوره‌های درسی، محتوای درس‌ها، و شیوه‌ی درس دادن به‌درستی روشن شود؛ آن‌گاه کتابخانه و گروهی که آموزش به‌کارگیری کتابخانه را بر دوش دارد می‌تواند تصمیم بگیرد که چه اطلاعاتی برای کاربران کتابخانه نیاز است و چه‌گونه و از چه راهی می‌توان به این نیاز پاسخ گفت. هدف برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه، تشویق کاربر به بهره‌گیری پویا از اطلاعات کتابخانه است. کتابدار یا گروه آموزشی باید روش به‌کارگیری اطلاعات و مواد کتابخانه را به کاربران بیاموزد. از این رو، یکی از هدف‌های کلی برنامه‌ی آموزش کاربران در هر گونه کتابخانه‌ئی، آگاه ساختن کاربران از منابع کتابخانه و چه‌گونه‌گی به‌کارگیری آن است.

پاول^۲ (برگرفته از بیگدلی، ۱۳۸۳: ۳۹۱) بر این باور است که آن‌چه دانشجویان باید یاد بگیرند ژرف‌تر از یافتن اطلاعات است؛ آن‌ها باید دانش را به دست آورند و در درون خود کشند تا آن را در زنده‌گی خصوصی و حرفه‌ئی خویش به کار گیرند و دریابند که چه‌گونه نقشی ویژه در گسترش و پیش‌رفت رشته‌ی خود بازی کنند.

امروزه، با توجه به کاربرد فن‌آوری‌های نو در کارهای گوناگون کتابخانه‌ها و بنگاه‌های اطلاعاتی، این فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی نیز برای آموزش کاربران به کار می‌رود. آموزش با کمک رایانه^۳ و آموزش‌های وب‌مدار^۴ از این دسته آموزش‌ها است. به گفته‌ی اینگورسون^۵ (۱۹۹۲؛ برگرفته از نوروزی چاکلی، ۱۳۸۵) اصلی‌ترین جست‌وجوگران اینترنت و پایگاه‌های داده‌ئی، پژوهش‌گرانی اند که هدف‌شان از جست‌وجوی این منابع، یافتن داده‌هایی است که در انجام کارهای پژوهشی به آن نیاز دارند.

1. Robinson, W.

2. Paul

3. Computer Assisted Instruction (CAI)

4. Web-based Education

5. Ingvarsson

دگرگونی‌های پی‌درپی در فن‌آوری‌های اطلاعاتی و نوآوری‌هایی که همواره در محیط کتابخانه‌ها پدید می‌آید، انگیزه‌ی نیرومند برای پشتی‌بانان این گونه آموزش‌ها است. /بوت^۱ (۱۳۷۷: ۲۲-۲۳) کتابخانه را به سان گذرگاه اطلاعات و نهادی می‌داند که در آن «کمک‌هایی از سوی کتابداران مرجع در توانا ساختن کاربران برای یافتن راه‌شان در میان انبوه منابع مرجع ارائه می‌شود ... کتابخانه‌ی دانشگاهی ممکن است خود را (واسطه‌ی یادگیری)، بداند و محیطی فراهم آورد که یادگیری، خودراهبر^۲ و برخی مهارت‌های دیگر را تسهیل می‌کند.» ولی بررسی پیشینه‌ی موضوع در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران نشان می‌دهد که بخش بزرگی از کتابداران حتا منابع مرجع تخصصی را نمی‌شناسند (حمزه‌پور، ۱۳۷۱). بی‌توجهی مسئولان به آموزش کاربران و نیاز ندانستن این آموزش‌ها از سوی آنان، و کم‌بود بودجه و نیروی انسانی و امکانات لازم برای آموزش نیز از دیگر مشکلات اجرای چنین برنامه‌هایی است (اردلان، ۱۳۷۳). با همه‌ی ناآشنایی بخش بزرگی از دانش‌جویان تازه‌وارد به دانشگاه و گرایش آنان به شرکت در این آموزش‌ها (عطاردی بيمرغی، ۱۳۷۵)، بر پایه‌ی پژوهش حیدری (۱۳۷۸) بیش از نیمی از کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های دولتی برنامه‌ئی برای چنین آموزش‌هایی ندارند.

تعریف مسئله

در کنار پیشرفت دانش و فن‌آوری، منابع علمی نیز به گونه‌ئی فزاینده رو به گسترش است. این افزایش داده‌ها و منابع علمی در دو ساختار چاپی و غیرچاپی شرایطی ویژه را برای کتابخانه‌ها و کاربران پدید آورده‌است. شرط لازم برای به‌کارگیری بهینه‌ی منابع کتابخانه، آگاهی از شیوه‌ی کاربرد این منابع است. پیش‌بینی می‌شود که آموزش شیوه‌ی به‌کارگیری کتابخانه و پدیدآوری مهارت‌های جست‌وجوی اطلاعات در دانش‌جویان، موفقیت و پیشرفت درسی آنان را در پی داشته‌باشد.

مسئله‌ی اصلی این پژوهش، یافتن چه‌گونه‌گی تأثیر آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر شناخت و توانائی دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران در به‌کارگیری کتابخانه است.

هدف‌های پژوهش

هدف کلی این پژوهش برآورد تأثیر آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر شناخت و توانایی به‌کارگیری منابع و خدمات کتابخانه در میان دانش‌جویان دوره‌ی تحصیلات تکمیلی دانشگاه

1. Abbott, C.
2. Self-directed

شهید چمران اهواز است. این پژوهش همچنین در پی رسیدن به هدف‌های ویژه‌ی زیر است:

- تعیین شناخت و توانایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در به‌کارگیری منابع کتابخانه پیش از اجرای برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه؛
- تعیین شناخت و توانایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در به‌کارگیری منابع کتابخانه پس از اجرای برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه؛
- تعیین اختلاف شناخت و توانایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در به‌کارگیری منابع کتابخانه پیش و پس از اجرای برنامه‌ی آموزش. به‌کارگیری کتابخانه با آموزش در دوره‌ی آموزشی و به کمک دفترچه‌های راهنمای آموزشی؛
- برآورد توانایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در شناخت وظایف کارکنان و مقررات کتابخانه و مسائل مربوط به آن پیش و پس از اجرای برنامه‌ی آموزش. به‌کارگیری کتابخانه.

پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش در ایران

پرتو (۱۳۶۸) در پژوهش خود، با بررسی میزان آشنایی کاربران دانش‌جوی کتابخانه‌های دانشگاه شیراز با مواد و ابزارهای کتابخانه و شناخت دشواری‌هایشان در به‌کارگیری کتابخانه می‌نویسد که همه‌ی کتابداران برای اجرای برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه هم‌سو هستند.

عطاردی بيمرعی (۱۳۷۵) در پژوهش خود دریافت که ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران در آغاز ورود به دانشگاه شیوه‌ی به‌کارگیری کتابخانه و منابع آن را نمی‌دانند.

مختاری (۱۳۷۵) در پژوهش خود نشان داد که بیش‌ترین برنامه‌های آموزشی که در کتابخانه‌های دانشگاه‌های دولتی تهران پیاده می‌شود به‌ترتیب چنین است: آشنایی با کتابخانه (۷۴/۴ درصد)؛ آموزش به‌کارگیری برگه‌دان (۶۹/۸ درصد)؛ آشنایی با منابع مرجع و تخصصی (۴۹/۱ درصد)؛ آموزش موردی بر اساس درخواست کاربر (۸۳/۰ درصد)؛ و انجام بازدید (۵۴/۷ درصد). شمار بسیار کمی از کتابخانه‌ها دارای امکانات آموزشی هستند و ۴۶/۳ درصد از مدیران کتابخانه‌ها زمان مناسب برای اجرای برنامه‌های آموزشی را نیم‌سال نخست می‌دانند.

مهدی‌فر (۱۳۷۵) در پژوهشی تجربی تأثیر آموزش به‌کارگیری کتابخانه را بر توانایی دانش‌جویان در به‌کارگیری منابع کتابخانه بررسی کرد. داده‌های این پژوهش با پیش‌آزمون و پس‌آزمون گردآوری شد و یافته‌های آن نشان داد که اختلاف نمره‌های پیش و پس از آموزش در واحدهای بررسی‌شده معنادار است.

بیگللی (۱۳۷۷) در نوشتاری با نام «آموزش استفاده از کتابخانه‌های دانشگاهی» اشاره کرد که مشکل ارزیابی برنامه‌های آموزش به‌کارگیری کتابخانه‌ها، واژه‌ها و اصطلاح‌های به‌کاررفته در تعریف برنامه‌های گوناگون آموزش به‌کارگیری کتابخانه‌ها است. موضوع دیگر نگرش نامناسب اعضای هیئت علمی و هم‌کاری نکردن آن‌ها با کتابداران است. وی در پایان نوشتار خود پیشنهاد می‌کند که در روند اجرای برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابداران و گروه‌های کتابداری دانشگاه‌ها نیازهای اطلاعاتی دانش‌جویان را در نظر بگیرند و با شناخت توانایی‌ها و امکانات کنونی بستری مناسب برای آغاز برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه‌های دانشگاهی فراهم آورند.

رقابی و شریفی (۱۳۸۳) در برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان کتابخانه‌ی دانشگاه صنعتی شریف دریافتند که مناسب نبودن زمان برگزاری دوره‌ها، نبود اطلاع‌رسانی خوب و هم‌کاری نکردن کتابداران، نداشتن زمان بسنده برای شرکت دانش‌جویان و استادان در دوره‌های آموزشی، نداشتن احساس نیاز به آموزش، و محدود بودن زمان آموزش به زمان کار اداری کتابخانه، ریشه‌های اصلی استقبال ناچیز استادان و دانش‌جویان از این گونه برنامه‌ها است.

مؤمنی (۱۳۸۳) در نوشتاری با نام «موانع، ملاحظات، و راه‌کارهای اجرایی آموزش استفاده‌کننده‌گان: تجربیاتی از یک طرح اجرایی» به این مهم اشاره کرده‌است که توانمند ساختن کاربران در شناسایی، دستیابی، و به‌کارگیری اطلاعات و منابع و امکانات فراهم‌شده رکنی مهم در کتابخانه‌های بزرگ است. در این پژوهش با ارزیابی دوره‌های آموزشی در کتابخانه، یافته‌های زیر به دست آمد:

- آموزش کاربران باید وظیفه‌ی نوین برای کتابخانه‌ها شمرده‌شود؛
- آموزش کاربران باید کاری پی‌گیرانه و همیشه‌گی باشد؛
- آموزش کاربران باید همواره رو به بهسازی باشد؛
- یافته‌های آموزش باید به کتابخانه‌های دیگر انتقال داده‌شود.

وی می‌نویسد که بیش از ۹۹ درصد از شرکت‌کننده‌گان، آموزش را در شناسایی منابع اطلاعاتی و چه‌گونه‌گی دسترسی به اطلاعات مورد نیاز خود مؤثر دانسته‌اند و خواستار پدید آمدن شرایط مناسب برای پی‌گیری این دوره‌های آموزشی شده‌اند. از سوی دیگر، کتابداران

برای افزایش خدمات و پاسخ‌گویی بهینه به کاربران، دنباله‌دار بودن دوره‌های آموزشی را لازم دانسته‌اند تا بتوانند با احاطه بر آخرین دگرگونی‌های فن‌آوری در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی، پاسخ‌گوی کاربران باشند.

پیشینه پژوهش در بیرون از ایران

نپ^۱ (۱۹۶۵) یادآور می‌شود که مهارت در بهره‌گیری از کتابخانه باید در سراسر برنامه‌ی درسی آموزشی گنجانده‌شود. ولی این کار شدنی نخواهد بود مگر آن که همه‌ی کارکنان برای چنین مهارتی اعتبار قائل شوند.

یالبرانت^۲ (۱۹۷۷) بر آن است که تأکید بر نقش آموزشی کتابخانه‌ها در سال‌های گذشته رو به افزایش بوده‌است. در برنامه‌ریزی آموزش کاربران باید نخست هدف‌های بنیادی و هدف‌های ویژه‌ی دوره‌های درسی، محتوای درس‌ها، و زمان‌بندی گام‌های گوناگون و شیوه‌ی تدریس به‌روشنی تعریف شود؛ آن‌گاه برآیند این برنامه‌ریزی در عمل آزمایش شود و در پی آن ارزش‌یابی شود که برنامه‌ی مورد نظر تا چه اندازه سودمند بوده‌است.

دونارد^۳ (۱۹۹۱) آموزش کاربران را پرهزینه می‌داند که باید از سویه‌ی زمانی و مالی توجیه شود، به‌ویژه از سویه‌های مالی که برای کتابخانه‌ها هم‌چون بنگاه‌های غیرانتفاعی بسیار مهم است. اما دلایل زیر می‌تواند این کار را توجیه کند:

– با اجرای این برنامه‌ها، دانش‌جویان شیوه‌ی به‌کارگیری گسترده‌ی بزرگی از کتاب‌ها، مجله‌ها، و ابزارهای کتاب‌شناختی را فرا می‌گیرند.

– برنامه‌ی آموزش کاربران دانش‌جویان را هر چه پیش‌تر به کتابخانه وابسته می‌سازد و آنان را با روش به‌کارگیری کتابخانه آشنا می‌کند.

فیدزانی^۴ (۱۹۹۸) در بررسی نیازهای اطلاعاتی و آموزشی دانش‌جویان دانشگاه بوتسوانا، نشان داد که برنامه‌ی آموزش کاربران در این دانشگاه در آغاز سال تحصیلی و در هنگام نام‌نویسی دانش‌جویان، به صورت دوره‌های آموزشی برگزار می‌شود که آغاز آن نیز یک ساعت درس آموزش کتاب‌شناختی است.

دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که برنامه‌ی آموزش کاربران سطحی است و نمی‌تواند مهارت‌های بنیادی جست‌وجوی اطلاعات را برای دانش‌جویان به گونه‌ی همیشگی فراهم آورد. یافته‌های دیگر پژوهش، هم‌چنین نشان داد که ۹۳ درصد دانش‌جویان برای به‌کارگیری مؤثر منابع و امکانات کتابخانه‌ها خواستار آموزش در این زمینه بودند. در پایان

1. Knapp, P. B.

2. Fjällbrant, N

3. Downard, K.

4. Fidzani, B. T.

پژوهش نیز پیشنهاد شده‌است که برنامه‌ی آموزش کاربران باید دربرگیرنده‌ی گفتارهایی درباره‌ی آموزش ابزارهای بازیابی داده‌ها در کتابخانه باشد.

براکسما، مک‌لین و تیتن‌برگر^۱ (۲۰۰۶) از دیوالد^۲ (۱۹۹۹) چنین آورده‌اند که محتوای آموزش به‌کارگیری کتابخانه باید «یادگیری» را افزایش دهد نه این که اطلاعات را بیشتر کند. وی هفت ویژه‌گی آموزش کتاب‌شناختی خوب را که آموزش را از کلاس به نمایش‌گر رایانه انتقال می‌دهد چنین برمی‌شمارد:

۱- آموزش کتاب‌شناختی هنگامی که در پیوند با واحدهای درسی و تکلیف‌های ویژه است، به بهترین نحو دریافت می‌شود.

۲- یادگیری پویا سودمندتر از سخن‌رانی است و با تمرین‌های گروهی یا دیگر روش‌هایی که آموزش را تقویت می‌کند نتیجه می‌بخشد.

۳- یادگیری گروهی به آموزش‌گر اجازه می‌دهد که گامی به پس بردارد و اندیشه‌ی انتقادی و حل مشکل گروهی را تشویق کند.

۴- ارائه‌ی اطلاعات در بیش از یک رسانه، روش‌های گوناگون یادگیری را عملی می‌سازد.

۵- هدف‌های آموزشی روشن، هم برای کتاب‌دار و هم برای دانش‌جو مهم است.

۶- آموزش کتاب‌شناختی خوب مفاهیم را یاد می‌دهد؛ نه تنها کارهای مکانیکی را، مانند این که کدام دکمه را باید فشرد.

۷- آموزش کتاب‌شناختی خوب، دربرگیرنده‌ی درخواست کمک از کتاب‌دار در هر زمانی در آینده است.

کوتاه این که، در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه، بر بایسته‌گی تشکیل دوره‌های آموزشی از دیدگاه شرکت‌کنندگان و تأثیر این دوره‌ها در بالا بردن توانایی کاربران از منابع اشاره شده‌است.

با توجه به این پژوهش‌ها، در بیش‌تر موارد، ریشه‌ی بهره نگرفتن دانش‌جویان از کتابخانه‌ها، آشنا نبودن دانش‌جویان با کتابخانه‌ی دانشگاهی در آغاز ورود به دانشگاه و پیاده نشدن برنامه‌های آموزشی توسط بخش آموزشی دانشگاه دانسته شده‌است. روش‌هایی را که برای انتقال دانش به‌کارگیری کتابخانه به کاربران پیشنهاد شده‌است می‌توان به دو گروه دسته‌بندی کرد:

۱- تشکیل دوره‌های آموزشی با تکیه بر حل تمرین‌های عملی توسط یادگیرنده؛

1. Braaksma, B., McLean, C., & Tittenberger, P.
2. Dewald

۲- انتقال اطلاعات لازم برای به‌کارگیری منابع کتابخانه توسط کتابدار در هنگام مراجعه‌ی کاربر به کتابخانه.
با توجه به آنچه در پیشینه‌ی پژوهش آمد یک گمانه و هفت پرسش برای این پژوهش ساخته شد.

گمانه‌ی پژوهش

آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر میزان شناخت و توانایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در به‌کارگیری منابع کتابخانه از سوی آن‌ها تأثیر دارد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر توانایی به‌کارگیری منابع کتابخانه تأثیر دارد؟
- ۲- آیا اختلاف میان دانش‌جویان آموزش‌دیده و دانش‌جویان آموزش‌ندیده، در شناخت و توانایی آنان از منابع کتابخانه معنادار است؟
- ۳- آیا آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر میزان شناخت دانش‌جویان از منابع الکترونیکی تأثیر دارد؟
- ۴- آیا آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر میزان شناخت دانش‌جویان از منابع مرجع تأثیر دارد؟
- ۵- آیا آموزش به‌کارگیری کتابخانه بر شناخت دانش‌جویان از وظایف کارکنان و مقررات کتابخانه و مسائل مربوط به آن تأثیر دارد؟
- ۶- آیا اختلاف میان دانش‌جویان آموزش‌دیده در دوره‌ی آموزشی و دانش‌جویان آموزش‌دیده با دفترچه‌ی راهنما، در میزان تأثیر برنامه آموزشی معنادار است؟
- ۷- هر کدام از دو روش آموزش در دوره‌ی آموزشی و با دفترچه‌ی راهنما، در کدام سویه‌ها از روش دیگر سودمندتر است؟

روش پژوهش

روش این پژوهش آزمایشی-میدانی است. متغیر مستقل، اجرای برنامه‌ی آموزش به‌کارگیری کتابخانه، و متغیر وابسته، توانایی دانش‌جو در به‌کارگیری منابع کتابخانه است. جامعه‌ی بررسی‌شده در این پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی شاغل به تحصیل در سال

تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ در دانشگاه شهید چمران اهواز است. نمونه‌ی پژوهش از میان دانش‌جویان تحصیلات تکمیلی ساکن در مجتمع خوابگاهی به روش تصادفی گزیده‌شد. در سال تحصیلی یادشده، ۱۱۵ دانش‌جوی تحصیلات تکمیلی در مجتمع خوابگاهی ساکن بودند. ۱۰ تن از آن‌ها چون در رشته‌ی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی تحصیل می‌کردند و مهارت‌ها و شناخت لازم را به دست آورده‌بودند، از نمونه کنار گذاشته‌شدند. از ۱۰۵ نفر باقی‌مانده، سه گروه ۳۵ نفری به روش تصادفی گزیده‌شدند. علت‌گزینش دانش‌جویان ساکن در خوابگاه، امکان دسترسی منظم و به‌موقع به آنان در یک ماه دوره‌ی آموزش در آبان ۱۳۸۳ بود.

پیش از هر گونه آموزش، پیش‌آزمون برای هر سه گروه ۳۵ نفره با پرسش‌نامه انجام شد. سپس، یکی از گروه‌ها، در دوره‌های گروهی و در ۱۵ نشست دوساعته با سخن‌رانی آموزش‌گر آموزش دیدند. به گروه دوم نیز، با کمک دفترچه‌ی راهنمای آموزشی که گفتارهای تحقیق را در بر داشت آموزش داده‌شد.

پس از پایان آموزش، برای پس‌آزمون، دانش‌جویان هر گروه بار دیگر به همان پرسش‌نامه که اندکی جای گزینه‌هایش دگرگونی یافته‌بود پاسخ دادند. پاسخ‌های دانش‌جویان هر گروه در پیش‌آزمون، با پاسخ‌های پس‌آزمون همان گروه و پس‌آزمون گروه گواه مقایسه شد. در پایان، پس‌آزمون هر دو گروه آموزش‌دیده نیز با یک‌دیگر مقایسه شد تا پیدا شود که کدام روش آموزشی دانش و مهارت‌های آزمودنی‌ها را نسبت به پیش از آموزش بیشتر افزوده‌است.

برای توصیف نمونه‌ها روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد، و برای آزمون گمانه و پاسخ به پرسش‌های پژوهش آزمون‌خی‌دو (χ^2) به کار رفت.

ساخت پرسش‌نامه

جست‌وجوهای پژوهش‌گران برای یافتن ابزاری مناسب و در راستای هدف‌های پژوهش بی‌هوده ماند. بنابراین، برای ساخت ابزاری برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش و آزمون گمانه‌ی آن، نخست با یک پرسش‌باز از ۳۰ دانش‌جوی تحصیلات تکمیلی خواسته‌شد که دیدگاه خود را درباره‌ی تأثیر آموزش، به‌کارگیری کتابخانه بر شناخت و توانایی آنان از کتابخانه بازگو کنند.

پس از گردآوری دیدگاه‌های این گروه، مفاهیم و عبارت‌های کلیدی در پاسخ‌ها شناسایی و با بیرون کشیدن و دسته‌بندی آن‌ها، چارچوب کلی پرسش‌نامه ساخته‌شد. سپس، برای هر مفهوم اصلی، چندین پرسش نگاشته‌شد و بدین سان، پیش‌نویس پرسش‌نامه فراهم

آمد. این پیش‌نویس، برای بررسی به چهار دانشیار و یک استادیار گروه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز داده شد و پس از دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای آن‌ها، نگارش پایانی پرسش‌نامه در دو بخش و با ۴۱ پرسش آماده شد. بخش نخست پرسش‌نامه، دارای هشت پرسش درباره‌ی شناسه‌های فردی، دیدگاه پاسخ‌گویان درباره‌ی بایسته‌گی آموزش به‌کارگیری کتابخانه، محتوای برنامه‌ی آموزشی، زمان مناسب برای آموزش، روش آموزش، و عناصر مهم در آموزش است. بخش دوم نیز، ۳۳ پرسش درباره‌ی دانش به‌کارگیری کتابخانه مانند رده‌بندی، نقاط دسترسی به اطلاعات مدارک، داده‌های آمده در فهرست‌برگه، چیدمان مواد در قفسه، ویژه‌گی‌های کتاب‌های مرجع، منابع ردیف دوم (نمایه‌ها، چکیده‌نامه‌ها)، نوشتارهای الکترونیکی، و پایگاه‌های داده‌ئی دارد. این پرسش‌نامه در دو گونه برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون سامان یافت که پرسش‌های هر دو پرسش‌نامه یک‌سان اما جای آن‌ها متفاوت بود.

روایی و پایایی پرسش‌نامه

پرسش‌نامه‌ی پژوهش، پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرساخته است. برای یافتن روایی پرسش‌نامه، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای پنج تن از استادان گروه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز بهره‌گیری شد. برای برآورد پایایی پرسش‌نامه، با نگرش به گونه‌ی پرسش‌های آن، آزمون آلفای کرون‌باخ به کار رفت. پایایی پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۹ به‌دست آمد که پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش

برای آزمون گمانه‌ی پژوهش و یافتن پاسخ پرسش‌ها، آزمون خی‌دو (χ^2) به کار رفت. در پی، نخست یافته‌ی آزمون گمانه، سپس یافته‌های مربوط به بخش‌های عمده‌ی موضوع پژوهش، و پس از آن نیز یافته‌های مربوط به پرسش‌های اصلی پژوهش آمده‌است.

آزمون گمانه

در آزمون تنها گمانه‌ی پژوهش، چون χ^2 به‌دست‌آمده ($\chi^2 = ۴۹/۸۶۹$) از χ^2 بحرانی ($df = ۲$)؛ $\chi^2_{cr} \approx ۰/۰۱$ بزرگ‌تر است، بنابراین، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که آموزش دگرگونی معناداری پدید آورده‌است.

یافته‌های بخش‌های اصلی موضوع پژوهش

بخش پرسش‌های کتاب‌شناختی

یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داد که به طور کلی، تأثیر هر دو روش آموزش دفترچه‌ی راهنما و دوره‌ی آموزشی در همه‌ی متغیرها مثبت و معنادار بود؛ ولی آموزش با دفترچه‌ی راهنما سودمندتر بوده‌است. در هر دو گروه بیش‌ترین تأثیر را دریافتِ مفهوم «نمایه‌ی موضوعی» و سپس مفهوم «موضوع کتاب» داشت.

بخش پرسش‌های مربوط به سازمان‌دهی منابع اطلاعاتی

در این بخش، تأثیر هر دو روش آموزشی در همه‌ی موارد مثبت بود و بیش‌ترین تأثیر را مفهوم «وسیله‌ی دستیابی به موجودی کتابخانه» و سپس، به‌ترتیب «هدف‌های رده‌بندی» و «جای نمونه‌ی فهرست‌برگه در کتاب» داشت. در این بخش تفاوت معناداری بین دو روش دیده‌نشود.

بخش پرسش‌های مربوط به منابع مرجع

در این بخش، در گروه دفترچه‌ی راهنما، تأثیر آموزش در مورد مفاهیم «کتاب مرجع»، «چکیده»، و «شیوه‌ی دراختیارگذاری مجله‌ها» مثبت نبود؛ ولی درباره‌ی مفهوم نشانه‌ی REF در نشانه‌ی بازیابی کتاب‌های مرجع، و مفاهیم «نمایه»، «کتاب‌شناسی»، و «کتاب‌نامه» این روش آموزشی تأثیری معنادار داشت. در گروه آموزش‌دیده در دوره‌ی آموزشی، تأثیر آموزش در همه‌ی موارد مثبت بود. یافته‌های این بخش نشان داد که دوره‌ی آموزشی نسبتاً سودمندتر از آموزش با دفترچه‌ی راهنما است.

بخش پرسش‌های مربوط به سازمان کتابخانه

در گروه دفترچه‌ی راهنما، تأثیر آموزش در مفاهیم «مخزن نیمه‌باز»، «روش اداره‌ی کتابخانه»، «شناخت مهم‌ترین وظایف روزانه‌ی کتابدار بخش امانت»، «شناخت مهم‌ترین وظایف روزانه‌ی کتابدار بخش فنی»، و «کاربرد کامپیوتر در کتابخانه» مثبت و معنادار و بیش‌ترین تأثیر در مفهوم «کاربرد کامپیوتر در کتابخانه» بود. در این روش، آموزش در مورد «نظام رده‌بندی کتابخانه» تأثیری نداشت.

در گروه آموزش‌دیده در دوره‌ی آموزشی، تأثیر آموزش در همه‌ی شش مفهوم مربوط به سازمان کتابخانه، مثبت و بیش‌ترین تأثیر در دریافت «مهم‌ترین وظیفه‌ی کتابدار بخش امانت» بود.

یافته‌های به‌دست‌آمده از مقایسه‌ی پس‌آزمون دو گروه آموزش‌دیده با دفترچه‌ی راهنما و در دوره‌ی آموزشی نشان داد که در مواد «مخزن نیمه‌باز» و «کاربرد کامپیوتر در کتابخانه» اختلاف دو روش آموزشی معنادار نبود، ولی در مواد دیگر روش آموزش در دوره‌ی آموزشی به‌گونه‌ی معنادار از روش آموزش با دفترچه‌ی راهنما مؤثرتر بود.

بخش پرسش‌های اصلی پژوهش

در پاسخ به نخستین پرسش پژوهش، درباره‌ی تأثیر آموزش بر شناخت و توانایی دانشجویان در به‌کارگیری منابع کتابخانه، یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر آموزش‌ها بر شناخت و توانایی آزمودنی‌ها در به‌کارگیری منابع کتابخانه مثبت بوده‌است و این تأثیر مثبت در مقایسه‌ی پاسخ‌های آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه آموزشی دیده‌می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آموزشی با آزمون χ^2

متغیر	نوع آموزش		با دفترچه‌ی راهنما		در دوره‌ی آموزشی	
	سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	درجه‌ی آزادی
دستیابی به موجودی و شناسه‌های کتابها	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۰	۲
هدف از رده‌بندی	۰/۰۰۰	۲	۰/۰۰۰	۲	۰/۰۰۰	۲
درک نمایه‌ی موضوعی	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۰	۳
درک موضوع	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۱
جای نمونه‌ی فهرست‌برگه در کتاب	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۰	۳
ویژه‌گی‌های کتاب مرجع	۰/۹۱۲	۱	۰/۰۱۲	۱	۰/۰۲۷	۱
مفهوم مخزن نیمه‌باز	۰/۰۱۲	۳	۰/۰۹۵۵	۳	۰/۰۰۰	۳
نظام رده‌بندی کتابخانه	۰/۱۴۵	۳	۰/۳۸۹	۳	۰/۰۰۰	۲
روش به‌کارگیری مجله‌های موجود در کتابخانه	۰/۸۵۵	۱	۰/۰۳۴	۱	۰/۰۰۰	۱
مفهوم REF در نشانه‌ی بازیابی کتابخانه	۰/۰۲۰	۲	۰/۸۰۲	۲	۰/۰۰۰	۲
مفهوم نمایه	۰/۰۰۱	۳	۰/۸۷۱	۳	۰/۰۰۰	۳
مفهوم چکیده	۰/۰۵۰	۳	۰/۷۹۳	۳	۰/۰۰۰	۳
مفهوم کتاب‌نامه	۰/۰۲۵	۳	۰/۳۲۵	۳	۰/۰۰۰	۳
مفهوم کتاب‌شناسی	۰/۰۰۱	۳	۰/۹۸۰	۳	۰/۰۰۰	۳
دستیابی به موجودی مجله‌های کتابخانه	۰/۰۰۰	۲	۰/۱۴۴	۲	۰/۰۰۰	۲
کاربرد کامپیوتر در بخش‌های گوناگون کتابخانه	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۳۹۶	۳	۰/۰۰۰	۳
مهم‌ترین وظیفه‌ی کتابداران بخش فنی	۰/۰۴۶	۲	۰/۱۶۸	۲	۰/۰۰۱	۲
مهم‌ترین وظیفه‌ی کتابداران بخش امانت	۰/۰۰۱	۳	۰/۰۶۳۹	۳	۰/۰۰۰	۳

همچنان که در جدول ۱ دیده می‌شود، از میان ۳۴ نکته‌ی آموزش داده‌شده به دانش‌جویان، تأثیر این آموزش‌ها، روی هم‌رفته در ۱۸ مورد (نزدیک به ۵۳ درصد) معنادار بوده و دوره‌ی آموزشی، در سه مورد از روش دفترچه‌ی راهنما تأثیر بیش‌تری داشته‌است. سه موردی که در روش آموزش با دفترچه‌ی راهنما تأثیری معنادار نشان ندادند «ویژه‌گی‌های کتاب مرجع»، «نظام رده‌بندی کتاب‌خانه»، و «شیوه‌ی به‌کارگیری مجله‌های موجود در کتاب‌خانه» بود. ناگفته نماند که میزان تأثیر دو روش آموزشی یک‌سان نبوده و روش دوره‌ی آموزشی در ۱۲ مورد به روش دفترچه‌ی راهنما برتری داشته‌است. در جدول ۲ پس‌آزمون گروه‌ها با هم مقایسه شده‌است و سطح معناداری تفاوت‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲- مقایسه‌ی پس‌آزمون گروه‌ها با آزمون χ^2

متغیر	سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	χ^2
جای نمونه‌ی فهرست‌برگه در کتاب	۰/۰۲۱	۳	۹/۷۱۳
شناسائی کتاب مرجع	۰/۰۱۸	۲	۸/۰۷۷
سامانه‌ی رده‌بندی کتاب‌خانه	۰/۰۰۶	۲	۱۰/۲۶۱
روش به‌کارگیری مجله‌های موجود در کتاب‌خانه	۰/۰۱۲	۲	۸/۸۷۸
مفهوم نمایه	۰/۰۳۸	۳	۸/۴۲۲
مفهوم کتاب‌نامه	۰/۰۳۱	۳	۸/۸۷۰
مهم‌ترین وظیفه‌ی کتاب‌داران بخش امانت	۰/۰۲۰	۳	۹/۸۶۶
ترتیب جای‌گرفتن کتاب‌ها در قفسه‌های کتاب‌خانه	۰/۰۰۴	۱	۸/۱۱۰
روش اداری کتاب‌خانه	۰/۰۲۳	۲	۷/۵۸۴
بهترین منبع اطلاعاتی درباره‌ی چکیده‌ی مطالب یک موضوع ویژه	۰/۰۳۰	۳	۸/۹۲۴
منبع مرجع برای گرفتن شناسه‌های یک مجله	۰/۰۳۵	۳	۸/۶۱۸
کوتاه‌ترین راه دستیابی به داده‌های کتاب‌شناختی مقالات فارسی	۰/۰۰۱	۳	۱۵/۵۶۵

همچنان که دیده می‌شود دوره‌ی آموزش بر دانش‌جویان آموزش‌دیده در دوره تأثیر بیش‌تری داشته و تفاوت تأثیر دو روش آموزشی از دیدگاه آماری معنادار است. بدین سان، پاسخ پرسش ششم پژوهش درباره‌ی معنادار بودن تفاوت تأثیر برنامه‌های آموزشی بر دانش‌جویان آموزش‌دیده در دوره‌ی آموزشی و آموزش‌دیده با دفترچه‌ی راهنما مثبت است. جدول ۲ با نشان دادن مواردی که تفاوت معنادار است پاسخ پرسش هفتم پژوهش را نیز در این باره که هر کدام از دو روش آموزشی در کدام سویه‌ها مؤثرتر از روش دیگر است به دست می‌دهد. همچنان که دیده می‌شود روش دوره‌ی آموزشی در ۱۲ متغیر از روش دفترچه‌ی راهنما مؤثرتر بوده‌است.

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، مقایسه‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با آزمون‌خی‌دو نشان داد که هر دو روش آموزش بر میزان شناخت آزمودنی‌ها از منابع الکترونیکی مؤثر

است (برای گروه آموزش‌دیده با دفترچه‌ی راهنما $\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$ ؛ $\text{df} = ۳$ و $\chi^2 = ۱۴/۱۴$ ؛ و برای گروه آموزش‌دیده در دوره‌ی آموزشی $\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$ ؛ $\text{df} = ۳$ و $\chi^2 = ۲۵/۳۱۴$).

هم‌چنین، مقایسه‌ی پس‌آزمون دو گروه مربوط به همین متغیر نشان داد که دو روش آموزشی در این زمینه با هم تفاوت معناداری ندارند؛ چون χ^2 محاسبه‌شده ($\text{Sig.} = ۰/۷۹۳$ ؛ $\text{df} = ۳$ و $\chi^2 = ۱/۰۳۳$) از χ^2 بحرانی کوچک‌تر است ($\text{df} = ۳$ و $\chi^2_{\text{crit}} \approx ۰/۷$). از این رو، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که دو روش آموزشی در این باره اختلاف معناداری با هم ندارند.

در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش درباره‌ی تأثیر برنامه‌های آموزشی بر میزان شناخت آزمودنی‌ها از منابع مرجع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روش دوره‌ی آموزشی در همه‌ی موارد کاملاً مؤثر بوده، ولی روش آموزش با دفترچه‌ی راهنما در آموزش «شیوه‌ی به‌کارگیری مجله‌ها» و «ویژه‌گی‌های کتاب مرجع» مؤثر نبوده‌است. هم‌چنین، مقایسه‌ی پس‌آزمون‌های دو گروه نشان داد که دوره‌ی آموزشی در این پنج مورد بیش از آموزش با دفترچه‌ی راهنما تأثیر داشته‌است: «شناسایی ویژه‌گی‌های کتاب مرجع»، «شیوه‌ی به‌کارگیری مجله‌ها»، «مفهوم نمایه»، «مفهوم کتاب‌نامه»، و «منبع مرجع برای گرفتن شناسه‌های یک مجله».

در پاسخ به پرسش پنجم پژوهش درباره‌ی تأثیر آموزش بر آشنایی دانش‌جویان با مقررات و وظایف کارکنان کتابخانه، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش‌ها در این زمینه نیز مؤثر بوده و روش دوره‌ی آموزشی از روش آموزش با دفترچه‌ی راهنما مؤثرتر بوده‌است ($\text{Sig.} = ۰/۰۲۰$ ؛ $\text{df} = ۳$ و $\chi^2 = ۹/۸۶۶$).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی مؤثر بودن آموزش در به‌کارگیری کتابخانه بود. در زمینه‌ی «دانش کتاب‌شناختی» اگر چه یافته‌ها هر دو روش دوره‌ی آموزشی و آموزش با دفترچه‌ی راهنما را مؤثر نشان می‌دهد، ولی هم‌چنان که گفته‌شد آموزش با دفترچه‌ی راهنما برای ارائه‌ی جزئیات اطلاعات کتاب‌شناختی و جلوگیری از اتلاف وقت کتاب‌داران و فراگیران و برای کاهش هزینه‌ها مؤثرتر است. در هنگام انجام این پژوهش، بیش‌تر شرکت‌کننده‌گان در دوره‌های آموزشی بازگو کردند که با توجه به کم‌بود وقت، آن‌ها دوست‌تر دارند که مطالبی در دوره‌های حضوری گفته‌شود که امکان یادگیری آن‌ها با مطالعه‌ی فردی و از جمله دفترچه‌ی راهنما ممکن نباشد. برای نمونه، چاپ نمونه‌ی فهرست‌برگه و تشریح جزئیات آن می‌تواند جزئیات دقیق اطلاعات کتاب‌شناختی آن را در اختیار کاربران قرار دهد.

در زمینه‌ی «سازمان‌دهی منابع»، دو روش آموزشی تفاوت زیادی با هم نداشتند. اگر چه، هم در آموزش با دفترچه‌ی راهنما و هم در دوره‌ی آموزشی، تأثیر آموزش در همه‌ی موارد مثبت بوده‌است، ولی عمده‌ترین تأثیر، در مفاهیمی بود که معمولاً برای بسیاری از کتاب‌داران بدیهی می‌نماید و از این رو شاید کم‌تر به آن‌ها پرداخته‌شود؛ مانند «هدف رده‌بندی» و «جای نمونه‌ی فهرست‌برگه در کتاب». بنابراین، باید در آموزش کاربران، هیچ نکته‌ئی از سوی کتاب‌داران آسان انگاشته و فراموش نشود.

یافته‌ها در زمینه‌ی «منابع مرجع» نشان داد که تأثیر دوره‌ی آموزشی از آموزش با دفترچه‌ی راهنما بیش‌تر بوده‌است. ماهیت، گونه‌گونی، و اهمیت منابع مرجع و نبود محسوس خدمات مرجع پویا در کتابخانه‌های ایران (حتا در کتابخانه‌های دانشگاهی)، ضرورت درکارآوری بخش مرجع کتابخانه‌ها را از راه آموزش حضوری انکارناپذیر می‌سازد. گسترده‌گی و پیچیده‌گی خدمات مرجع با حضور فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و پیدایش پدیده‌های دیگر مانند اینترنت و دیگر خدمات الکترونیکی و دیجیتالی، بایسته‌گی و نیاز به این کار را دوچندان کرده‌است. به‌ویژه باید به این نکته نگریسته‌شود که تجربه در کار و خدمات مرجع اصلی بنیادی است. گروگان^۱ (۱۹۹۱) از چایلد^۲ چنین آورده‌است: «کار مرجع سه چیز است: نخست، تجربه؛ دوم، تجربه؛ و سوم، تجربه.» از همه مهم‌تر در دوره‌های حضوری آموزشی، کنش‌ورزی دوسویه‌ی کتاب‌دار و کاربر (فراگیر) شدنی می‌شود — امتیازی که دفترچه‌ی راهنما از آن بی‌بهره است.

درباره‌ی «سازمان کتابخانه» یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی تأثیر هر دو روش آموزشی در بیش‌تر موارد است. تأثیر اندک آموزش با دفترچه‌ی راهنما را در زمینه‌ی «نظام رده‌بندی کتابخانه»، شاید بتوان برآمده از دشواری موضوع، روان بودن متن این بخش از دفترچه‌ی راهنمای فراهم‌آمده و بیان ناروشن آن، یا نیآوردن نمونه‌های روشن‌گر از گونه‌های رده‌بندی‌ها دانست. این نکته باید در نگارش نوشته‌های آموزشی از سوی کتاب‌داران نگریسته‌شود. نوشتارها باید در شیوه‌ی نگارش، واژه‌ها، و ترکیب‌های به‌کاررفته ساده و دریافتنی باشد، و تا آن‌جا که بشود نمونه‌هایی ساده و روشن‌گر برای انتقال مفهوم یا دانش آورده‌شود. از آن‌جا که این مشکل در دوره‌ی آموزشی پیش نیآمده و تأثیر این روش در هر شش زمینه مثبت و معناداری بوده‌است، بار دیگر برتری حضور دانش‌جویان (یادگیرنده‌گان) در فرآیند یادگیری پویا و امکان گفت و شنود جلوه‌گر می‌شود. آنچه می‌ماند، اداره‌ی این چنین دوره‌های آموزشی است به گونه‌ئی که دارای بیش‌ترین بازده، و در برابر آموزش با دفترچه‌ی راهنما، هزینه-سودمندی آن منطقی و پذیرفتنی باشد.

1. Grogan, D.
2. Child, W. B.

بنابراین، آموزش کاربران نمی‌تواند تنها از یک راه و با یک روش آموزشی ویژه انجام شود و نمی‌توان گفت که بی‌گمان یک روش در همه‌ی موارد کارآمدتر از روش دیگر است. برای این که بتوانیم برنامه‌ی بامحتوا و کارآمد برای آموزش کاربران داشته‌باشیم، باید در هر زمینه، با نگرش به همه‌ی سویه‌ها، از روش آموزشی مناسب‌تر و مؤثرتری بهره‌گیریم. با این کار می‌توانیم آمیزه‌ئی از دو روش دوره‌ی آموزشی و آموزش با دفترچه‌ی راهنما را هم‌زمان در اختیار کاربران بگذاریم و تجربه‌ی عملی را زمینه و عاملی برای حل مشکلات یادگیری سازیم.

پیشنهادها

- ۱- در آموزش به‌کارگیری کتابخانه، روش یادگیری پویا که نیازمند مشارکت پویای دانش‌جو است، به کار گرفته‌شود.
- ۲- متناسب با نوع اطلاعات مورد نظر برای آموزش، روش‌های گوناگونی مانند برپایی دوره‌ی آموزشی یا ارائه‌ی دفترچه‌ی راهنما به کار گرفته‌شود.
- ۳- آموزش کاربران وظیفه‌ئی مهم برای کتابخانه‌ها و گروه‌های آموزشی کتاب‌داری شمرده‌شود.
- ۴- برای آشنایی دانش‌جویان تازه‌وارد با خدمات و منابع کتابخانه، نشست‌های آشنایی با کتابخانه برگزار شود.
- ۵- دوره‌های آموزشی به صورت جداگانه در هر دانشکده و با نگرش به رشته‌های آموزشی موجود در آن دانشکده و نیازهای ویژه‌ی همان گروه‌های آموزشی برپا شود.
- ۶- در آموزش، از ابزارهای کمک‌آموزشی و مواد دیداری و شنیداری برای تفهیم بهتر مطالب بهره‌گیری شود.

منابع

- ابوت، ک. (۱۳۷۷). سنجش کارکرد در خدمات کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی. برگردان ع. بهمن‌آبادی. تهران: مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازنده‌گی.
- اردلان، ر. (۱۳۷۳). بررسی ضرورت آموزش ضمن خدمت کتاب‌داران در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های تابع وزارت فرهنگ و آموزش عالی [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی]. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اینتنر، ش. اس. (۱۳۷۱). عامه‌ی مردم و آموزش کتاب‌شناختی: فرصت‌های ازدست‌رفته در ایجاد محیط اطلاعاتی مثبت. برگردان ف. سیدمنیر. فصل‌نامه‌ی کتاب، ۳ (شماره‌ی ۹)، ۱۱۲-۱۴۹.
- بیگدلی، ز. (۱۳۷۷). آموزش استفاده از کتابخانه‌های دانشگاهی. فصل‌نامه‌ی کتاب، ۹ (۳ و ۴)، ۴۹-۵۹.
- بیگدلی، ز. (۱۳۸۳). نگاهی دیگر به آموزش استفاده‌کننده‌گان از کتابخانه: بررسی عوامل بازدارنده‌ی این نوع آموزش در ایران. در مجموعه مقالات سمینار آموزش استفاده‌کننده‌گان و توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، ۱ و ۲ خرداد ۱۳۸۳، مشهد (صص. ۳۸۵-۴۰۱). مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.
- پرتو، ب. (۱۳۶۸). بررسی نیازهای اطلاعاتی دانش‌جویان استفاده‌کننده از کتابخانه‌های دانشگاه شیراز [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی]. شیراز: دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- پریخ، م. (۱۳۸۳). آموزش سواد اطلاعاتی؛ روش‌ها و راه‌بردها. در مجموعه مقالات سمینار آموزش استفاده‌کننده‌گان و توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، ۱ و ۲ خرداد ۱۳۸۳، مشهد (صص. ۱۹۷-۲۱۴). مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.
- پورمند، ع. و آمارلو، ز. (۱۳۸۱). بررسی اهمیت آموزش مراجعان در بهره‌وری بیش‌تر از کتابخانه‌ها: گزارشی از یک تجربه‌ی کوچک. کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، ۵ (۱)، ۱۰۵-۱۲۲.
- حمزه‌پور، م. ک. (۱۳۷۱). بررسی میزان آگاهی و شناخت کتاب‌داران کتابخانه‌های پزشکی از مراجع پزشکی [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کتاب‌داری پزشکی]. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- رقابی، ف. و شریفی، ش. (۱۳۸۳). طراحی و برنامه‌ریزی آموزش دانشگاهی جهت ارتقای کیفی دستیابی به اطلاعات در دانشگاه صنعتی شریف. در مجموعه مقالات سمینار آموزش استفاده‌کننده‌گان و توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، ۱ و ۲ خرداد ۱۳۸۳، مشهد (صص. ۲۷۴-۲۵۷). مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.
- عصاره، ف. (۱۳۸۳). سواد اطلاعاتی یا ایجاد مهارت‌های لازم در دانش‌جویان برای دستیابی و استفاده از اطلاعات. در مجموعه مقالات سمینار آموزش استفاده‌کننده‌گان و توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، ۱ و ۲ خرداد ۱۳۸۳، مشهد (صص. ۲۱۵-۲۲۱). مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.

عطاردی بيمرغی، ع. (۱۳۷۵). خودآموز استفاده از کتابخانه‌های پزشکی بر میزان آگاهی دانش‌جویان پزشکی در شناخت و نحوه استفاده از کتابخانه‌های پزشکی تأثیر دارد [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی]. تهران: دانشکده‌ی مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

مختاری، ح. (۱۳۷۵). بررسی برنامه‌ها، روش‌ها و امکانات آموزش استفاده‌ی از کتابخانه‌های دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و دیدگاه مدیران کتابخانه‌ها و نظرات آن‌ها در مورد برنامه‌ی ارائه‌شده [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی]. تهران: دانشکده‌ی مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

مؤمنی، ع. (۱۳۸۳). موانع، ملاحظات، و راه‌کارهای اجرائی آموزش استفاده‌کننده‌گان: تجربیاتی از یک طرح اجرائی، در مجموعه مقالات سمینار آموزش استفاده‌کننده‌گان و توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، ۱ و ۲ خرداد ۱۳۸۳، مشهد (صص. ۴۱۷-۴۲۷). مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.

مهدی‌فر، ف. (۱۳۷۵). تأثیر اجرای برنامه‌ی آموزش استفاده از کتابخانه بر توانایی استفاده از کتابخانه توسط دانش‌جویان رشته‌ی شیوایی‌سنجی دانشکده‌ی علوم توان‌بخشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی]. تهران: دانشکده‌ی مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

نوروزی چاکلی، ع. (۱۳۸۵). عوامل اصلی و مؤثر در رفتار جست‌وجوگران اطلاعات. کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی: فصل‌نامه‌ی علمی-ترویجی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۹(۱)، ۱۴۳-۱۷۴.

یالبرانت، ن. (۱۳۷۷). برنامه‌ریزی آموزش مراجعه‌کننده‌گان کتابخانه. برگردان ج. علوی‌نیا. نامه‌ی انجمن کتابداران ایران، ۱۱(۱-۲)، ۱۸۵.

Braaksma, B., McLean, C., & Tittenberger, P. (2006). *Tools for Information Literacy* [Paper presented in World Library and Information Congress: 72nd IFLA General Conference and Council, 20-24 August 2006, Seoul, Korea]. Retrieved from <http://www.ifla.org/IV/ifla72/index.htm>

Downard, K. (1992). User education in academic libraries. *Library Management*, 13(3), 29-38.

Fidzani, B. T. (1998). Information needs and information-seeking behaviour of graduate students at the University of Botswana. *Library Review*, 47(7), 329-340.

Grogan, D. (1991). *Practical Reference Work*. 2nd Edition. London: Library Association.

Knapp, P. B. (1965). *The Monteith College Library Experiment*. New York, NY: Scarecrow Press.